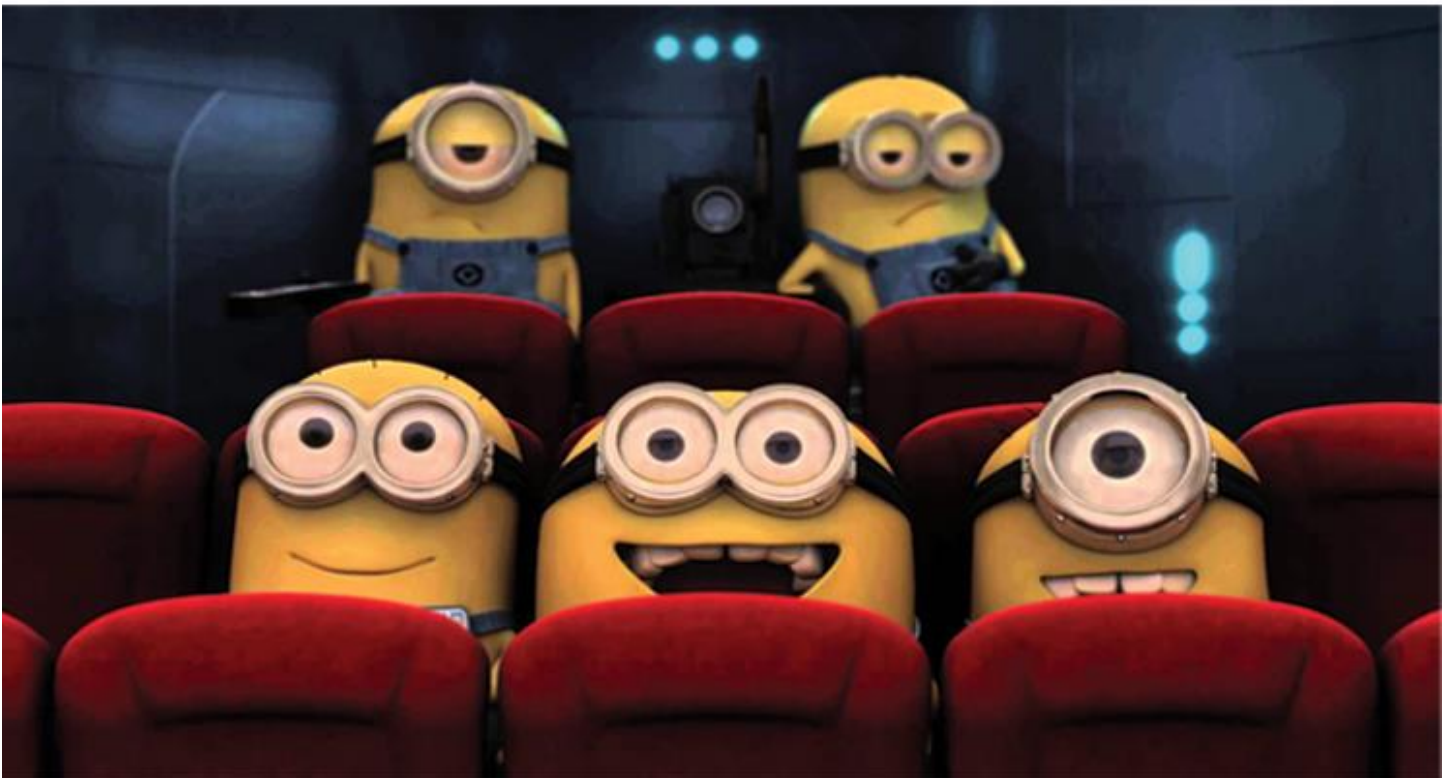


لغات و اصطلاحات منتخب



آموزش زبان بامبودات آی آر

www.bambbo.ir

Brave 2012

شجاع

1	Rascal	بچه ی موذی و شرور اما دوست داشتنی
2	Shoot an arrow	تیر انداختن (با کمان)
3	bow	کمان
4	Keep your eyes open	حواس جمع کن (متمرکز و هوشیار باش)
5	loose	رها کن / بنداز (رها کردن تیر از کمان)
6	Fate	سرنوشت
7	Be off = leave	رفتن
8	Destiny = fate	تقدیر / سرنوشت
9	Demon	روح یا قدرت شیطانی
10	Plan out	برنامه ریزی دقیق کردن برای چیزی با بررسی تمام جوانب و مشکلات احتمالی
11	Be in charge of something	مسئول چیزی بودن
12	Thou shalt = you shall	عبارتی به معنای تو باید
13	It's all for naught	همه ی اینا واسه هیچی (همش بی فایده بود)
14	Chortle	با صدای بلند خندیدن (قاه قاه خندیدن)
15	Stuff gob	پر کردن دهان
16	Compassionate	مهربان
17	Every once in a while	هر از گاهی

18	Misty mountains	کوهستان مه آلود
19	I'm starving	خیلی گشمنه
20	Oat	جوی دوسر
21	Out of nowhere	ناگهان
22	Be littered with something	پر شدن چیزی با چیزی دیگر
23	Draw sword	کشیدن شمشیر
24	Roam	پرسه زدن
25	Revenge	انتقام گرفتن / انتقام
26	Leave someone be Leave her be	ولش کن (راحتش بذار)
27	Stay out of my food	از غذای من دور بمونید (به غدام دست نزنید)
28	Greedy	حریص
29	You are excused	شما می تونید برید (محترمانه از کسی خواستن که آن مکان را ترک کند)
30	Betrothal = engagement	نامزدی
31	Suitor	خواستگار
32	Clan	قبیله / کلونی
33	Raise voice	بالا بردن صدا
34	You can't make me	نمی تونی مجبورم کنی
35	Grow old	پیر شدن
36	Make yourself peace with this	باش کنار بیا (با این قضیه)

37	Mutter	غرغر کردن
38	Lass	دختر یا زن جوان (اسکاتلندی)
39	Lad	پسر یا مرد جوان
40	Stubbornness	کله شقی / لجاجت
41	Get married	ازدواج کردن
42	Call off	رد کردن درخواست کسی یا سازمانی
43	Reservation = hesitation	تردید
44	Pay the price something	بهای چیزی را پرداختن
45	Make somebody understand	چیزی را به کسی فهماندن (چیزی را حالیه کسی کردن)
46	Place everyone	همگی سر جاشون
47	My majesty	سرورم
48	Vanquish	غلبه کردن
49	Do something with bare hands	انجام دادن کاری با دستان خالی (مثل جنگیدن بدون سلاح)
50	Foe	دشمن
51	Besiege	محاصره کردن
52	Single-handedly = alone	دست تنها (به تنهایی)
53	Mighty	نیرومند
54	Fleet	ناوگان (دسته کشتی های جنگی)
55	Strike somebody down	کسی را کشتن یا به شدت بیمار کردن

56	Grumpy old troll	غول پیر عبوس
57	Nut them	بزنشون (با کله رفتن تو صورت کسی)
58	Show a little decorum	یکم ادب نشون بدید
59	My lady queen	شهبانوی من
60	I mean no disrespect	قصد بی احترامی نداشتم
61	In accordance with	بر اساس
62	It is customary that	این مرسومه که ..
63	It's time	وقتشه
64	Archers	کماندارها
65	Feast your eyes	حال کنید (تا چشات در آد)
66	By the way	راستی
67	Curse this dress	لعنت به این لباس
68	Don't you dare (do something)	جرئت نکن (او کارو انجام بدی / عبارت تهدیدی)
69	Have had enough of something/somebody	به اندازه کافی از دست چیزی یا کسی کشیدن
70	Be fire and sword	جنگ و درگیری شدن
71	You're never there for me	هیچوقت کنارم نبودی / طرفم نبودی
72	Holler = yell	بلند فریاد زدن
73	Everything is half off	همه چیز نیم بهاست (نصف قیمت است)
74	Humble woodcarver	چوب تراش ساده/ محقر
75	Broom	جارو

76	How about this conversation starter?	برای شروع این چگونه؟
77	Staring is rude	زل زدن کار زشتیه / بدیه
78	Spell	طلسم / ورد (کلمات جادویی)
79	Easy on the eyes	خیلی زیبا یا خوش چهره
80	Pacify	آرام کردن کسی
81	It's a peace offering	این هدیه ای برای آشتی / مصالحه هست
82	Put to rest Put this whole kerfuffle to rest	خاتمه دادن به بحث و هیاهویی تا همه ی این آشوب (غائله) رو بخوابونیم
83	Woozy = dizzy	گیج
84	Top	فرفره
85	I 0146m out of sorts	ناخوش احوالم
86	Have a go at somebody	سرزنش کردن کسی
87	Goggly	چشم ورقلمبیده (چشم قلمبه)
88	Hag	عجوزه
89	Keep a sharp eye (on)	خوب حواستون جمع کنید
90	Here we go	باز شروع شد (جهت شروع شدن کاری)
91	My liege	سرورم
92	Hound	سگ شکاری
93	Lay a trap	گذاشتن تله
94	Doesn't make sense	با عقل جور در نمیاد
95	Help yourself	از خودت (خودتون) پذیرایی کنید

96	Be out of stock	خارج از دسترس بودن
97	Cauldron	دیگ بزرگ
98	Be permanent	دائمی شدن / همیشگی شدن
99	Mend	اصلاح کردن چیزی یا اشتباهی
100	There you go	خدمت شما
101	Keep one's head We've got to keep our heads	حفظ کردن آرامش باید آرامشمون رو حفظ کنیم
102	Settle	خاتمه دادن به بحث یا جدلی
103	Then our alliance is over	پس اتحاد بین ما تمومه
104	Is that so?	واقعا؟ (به حالت ناباورانه و طعنه آمیز)
105	Irregular	خلاف قاعده
106	Jiggery-pokery	رفتار ناصادقانه یا حقه بازانه
107	Break the enemy line	شکستن خط دشمن (نفوذ کردن به دشمن)
108	Rift	شکاف در رابطه ای یا چیزی
109	There's no one to blame but me	فقط من سزاوار سرزنشم
110	Pick somebody / something out	انتخاب کردن کسی یا چیزی
111	A little scratch	یک خراش کوچک
112	You're talking nonsense	داری پرت و بلا میگی
113	Just stay put	همونجا که هستی بمون / جنب نخور (بی حرکت ماندن در جایی که هستیم)
114	galoot	آدم احمق
115	Steady	سفت / محکم بشین (روی اسب)

116	We've got his track	ردش گرفتیم
117	Easy	آروم
118	Give someone a hand	کمک کردن کسی
119	Get back	برید عقب
120	Are you out of your mind?	زده به سرت؟ (عقلت رو از دست دادی؟)
121	This is all my fault	همش تقصیر منه
122	I did this to you	من اینکارو بات کردم
123	You've never give up on me	هیچ وقت باورت رو به من از دست ندادی
124	The curse is broke	طلسم باطل شد (شکست)
125	Wave somebody off	بدرقه کردن کسی (جهت خداحافظی)
126	Fulfill dream	رسیدن به آرزو